

تاضیص مکاسب

به صورت پرسش و پاسخ

جلد چهارم

(شروط عوضین)

استاد محمود معتمدی

سرشناسنامه: معتمدی، محمود ۱۳۶۰ - مترجم.

عنوان قراردادی: المکاسب، فارسی - تلخیص.

عنوان ونام پدیدآور: ترجمه و تلخیص مکاسب شیخ الفقها مرتضی انصاری (رحمه الله علیه) / محمود معتمدی.

مشخصات نشر: قم، دارالفکر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ج ۴

شابک: ISBN: 978-600-270-020-9 (دوره)

شابک: ISBN: 978-600-270-031-5

وضیعت فهرست نویسی: فبیا

موضوع: انصاری، مرتضی بن محمد امین ۱۲۱۴ - ۸۱۱۴ ق. المکاسب، نقد و تفسیر.

موضوع: معاملات (فقه).

شناخته افزوده: انصاری، مرتضی بن محمد امین ۱۲۱۴ - ۸۱۱۴ ق. المکاسب، شرح

رده بندی کنگره: ۷۰۲۱ م ۸ الف ۱۷۱۳/ BP۱۹۰ / رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۷۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۱۱۳۳۴۱۴



انتشارات دارالفکر

تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا (ره)

تلخیص مکاسب (شروط عوضین)

(به صورت بر شیرو پاسخ)

مولف: شیخ مرتضی انصاری (ره)

به کوشش: محمد معتمدی

ناشر: انتشارات دارالفکر

چاپخانه: قدس - قم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ISBN: 978-600-270-031-5 ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۰۳۱-۵

شابک دوره: ISBN: 978-600-270-020-9 ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۰۲۰-۹

انتشارات دارالفکر

دفتر مرکزی: قم خیابان معلم، مجتمع ناشران پلاک ۳۶

تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴ - ۳۷۷۲۳۶۴۵ - فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک - تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷

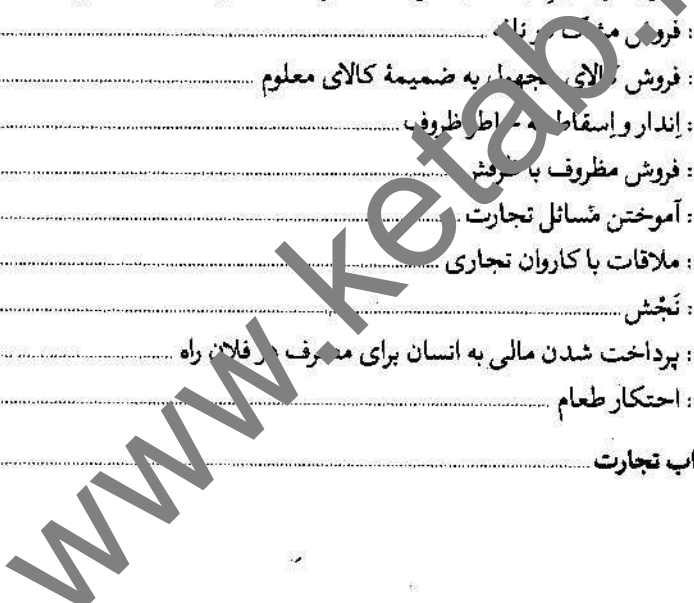
فروشگاه تهران: ۶۶۴۷۶۴۸۸

فهرست

۹	مقدمه: حکم کار تجاری
۱۳	سخن در شرایط دو عوض ۴
۱۳	شرط اول: وجوب
۱۵	اقسام واجبات
۱۵	قسم اول: زمینی که صالماً موات است
۱۷	قسم دوم: زمینی که صالماً آباد بوده است، یعنی از جانب آباد کننده‌ای نیست
۱۷	قسم سوم: زمینی که با اذن موات بودن، آبادانی برای آن عارض شده است
۱۸	قسم چهارم: زمینی که بعد از آبادانی، موت بر آن عارض شده است
۱۸	رجوعی به احکام قسم سوم زمین
۱۹	زمین مفتوح در جنگ
۲۳	شرط دوم (از شرایط دو عوض): طلق بودن ملک
۲۶	مسئله: عدم جواز بیع وقف
۲۹	اقوال در بیع وقف
۳۳	وقف مؤبد
۳۹	صور جواز بیع وقف
۳۹	صورت اول
۴۷	صورت دوم
۵۱	صورت سوم
۵۱	صورت چهارم
۵۳	صورت پنجم
۵۴	صورت ششم
۵۷	صورت هفتم

۵۸	صورت هشتم
۵۸	صورت نهم
۵۸	صورت دهم
۶۸	وقف منقطع
۷۳	مسئله: عدم جواز بیع أم‌ولد
۷۹	مستثنیات منع فروش أم‌ولد یا صور جواز فروش أم‌ولد
۷۹	بیان موارد قسم اول
۹۳	بیان موارد قسم دوم (تعلق حق أم‌ولد به زودتر آزاد شدن)
۹۴	بیان موارد قسم سوم (تعلق حق سابق و مقدم بر بیخه دار شدن)
۹۷	بیان موارد قسم چهارم (عدم تحقق حکمتی که مانع از نقل أم‌ولد است)
۹۸	مسئله: عدم جواز بیع سرهون
۱۰۴	مسئله: جنایت ببدن
۱۰۷	مسئله: جنایت عبا خدأ
۱۰۹	مسئله: شرط سوم از شرایط دو عوض عبارت است از: قدرت بر تسلیم
۱۱۳	بیان استدلال بر شرط بودی «قدرت بر تسلیم» به وجوه دیگر
۱۱۳	وجه ۱
۱۱۴	وجه ۲
۱۱۴	وجه ۳
۱۱۵	وجه ۴
۱۲۵	مسئله: منع بیع آبق منفرداً
۱۲۸	مسئله: جواز بیع آبق با ضمیمه
۱۳۰	مسئله: شرط چهارم از شرایط دو عوض عبارت است از: علم به مال از طرفین
۱۳۲	مسئله: شرط پنجم از شرایط دو عوض عبارت است از: علم به مقدار ضمن
۱۳۶	مسئله: اندازه‌گیری غیر متعارف
۱۴۴	مسئله: اخبار فروشنده به مقدار مبیع
۱۴۶	مسئله: فروش لباس و زمین با مشاهده
۱۴۸	مسئله: فروش بعضی از کل متساوی الأجزاء
۱۴۸	بیان وجوه قابل تصور در «فروش بعضی از کل متساوی الأجزاء»
۱۴۸	وجه اول

۱۴۹	وجه دوم
۱۵۳	وجه سوم
۱۵۶	مسئله: فروش پیمانانه ای از یک انبار
۱۶۲	مسئله: فروش عین دیده شده در زمان سابق بر عقد
۱۶۳	بیان دو فرع
۱۶۳	فرع اول: اختلاف دو طرف معامله در تغییر
۱۷۱	فرع دوم: اتفاق دو طرف معامله بر تغییر
۱۷۳	مسئله: آزمون آزمایش مزه و رنگ و بو
۱۷۷	مسئله: حرر خریداری بدون آزمایش در کالایی که آزمایش آن را فاسد می کند
۱۸۲	مسئله: فروش مشک بر ناله
۱۸۴	مسئله: فروش کالای مجهول به ضمیمه کالای معلوم
۱۹۱	مسئله: ائدار و اسقاط به خاطر ظروف
۱۹۶	مسئله: فروش مظروف با سرفته
۲۰۰	مسئله: آموختن مسائل تجارت
۲۰۸	مسئله: ملاقات با کاروان تجاری
۲۱۲	مسئله: نجش
۲۱۳	مسئله: پرداخت شدن مالی به انسان برای معرف در فلان راه
۲۱۸	مسئله: احتکار طعام
۲۲۳	خاتمه: آداب تجارت



مقدمه

حکم کار تجاری

از جمله شبهات مباحثی که غالباً در بین طلاب علوم دینی و حوزوی وجود دارد مسئله کار تجاری و رفتن برای کسب است. گروهی بر این باورند که طلبه نباید کار تجاری انجام دهد و تمام وقت می‌بایست مشغول تحصیل و تهذیب و مطالعات علمی پژوهشی خود باشد، بر این دلیل است که خداوند متعال روزی اهل علم را متکفل شده است، و به عبارتی حدیث تعالی رزق طلبه را تا درب خانه او می‌فرستد! این مسئله تا جایی پیش رفته است که جماعتی از طلاب عملاً از کسب و تجارت دست کشیده‌اند و به جز شهرت و اعتبار و مرسوم‌های که در حوزه وجود دارد، هیچ‌گونه منبع درآمدی ندارند. لکن سؤال این است که: آیا عقلاً این مسئله صحیح است یا باطل؟ آیا صحیح است که طالب علم برای به دست آوردن نفقه خود و خانواده‌اش کاری انجام ندهد به این بهانه که من طلبه هستم و خداوند تبارک و تعالی تضمین کرده است که رزق مرا بدون تلاش اقتصادی به من اعطاء کند؟

به نظر می‌رسد که در این جا باید بین دوران تحصیل و طلبگی و غیر این دوران تفاوت قائل شویم. از منظر عقل، طالب علم هنگامی که مشغول تحصیل علم و دانش است مسلماً به خاطر محدودیت زمان فرصت نمی‌کند که به کار تجاری و

اقتصادی نیز پردازد. چنان که دانشجویان نیز در دوران دانشجویی تا رسیدن به مدارک و مدارج علمی، وقت خود را صرفاً به تحصیل علم و مطالعات و تحقیقات اختصاص می دهند. بنابراین طالب علم اعم از علوم حوزوی و علوم دانشگاهی در زمان تحصیل باید به وظیفه خود که همان کسب دانش و تلاش علمی است، پردازد و از این مهم غافل نگردد. و اما در حوزه از این جهت که فارغ التحصیلی معنا ندارد و برای رسیدن به درجه عالیۀ اجتهاد حداقل بیست سال زمان احتیاج است می توان گفت تا حین اتمام مکاسب دوران اساسی تحصیلات محسوب می شود و در این زمان باید از کسب و کار تجاری صرف نظر کرد و به صورت تمام وقت به تحصیل علم و دانش پرداخت. و مهم تر از آن این است که انسان در همه لحظات زندگی را تا آخر عمر تقوای الهی و پرهیزگاری را سرلوحه کار خویش قرار دهد، چراکه خداوند تبارک و تعالی هنگامی که در هدف بعثت انبیاء و اولیاء گرامی خویش سخن به میان می آید استدعاء امر، تزکیه و تهذیب نفس را بیان می دارد و سپس مسئله علم و دانش را مطرح می کند: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ او کسی است که در میان جمعیت درس خوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکارا بودند.

نکته مهم دیگر این است که طالب علم بعد از اتمام مکاسب هنگامی که تصمیم بر کار تجاری و اقتصادی دارد، لازم است تجارت او نیز در راستای امر طلبگی و حوزوی او باشد، کارهایی از قبیل تدریس، تألیف، تبلیغ دین مبین اسلام و منبر رفتن در جلسات موعظه و مجالس روضه سیدالشهداء حضرت

اباعبدالله الحسین علیه السلام نه این که خدای ناکرده طلبه از مسیر طلبگی و حوزوی خویش خارج گردد، و به کارهایی رو آورد که ارتباطی با اندوخته های علمی و معنوی او نداشته باشد!

سؤال دومی که در این جا مطرح می باشد این است که: آیا در خصوص مسئله کار تجاری در لسان شریعت مقدس اسلام بیانی وارد شده است یا خیر؟ در پاسخ این سؤال باید بگوییم: آری، در لسان شرع نیز این مسئله مورد اشاره قرار گرفته، و به وجوب و لزوم کار تجاری حکم شده است. در این جا به عنوان حسن ختامی برای این گفتار نامه بر سر مورد از این روایات گران بها را بیان می داریم:

في رواية علي بن عبد الله بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما فعل عمر بن مسلم؟ قلت: جعلت فداك! أقبل على العبادة وترك التجارة فقال: ويحك! أما علم أن تارك الطلب لا يستجاب له دعوة؟ إن قوماً من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله لما تركت قوله تعالى: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ أغلقوا الأبواب وأتسلوا على العبادة وقالوا: قد كفيتم! فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله فأرسل إليهم فقال لهم: ما دعائهم؟ ما صنعتم؟ فقالوا: يا رسول الله تكفل الله لنا بأزواجنا فأقبلنا على العبادة. فقال صلى الله عليه وآله: إنه من فعل ذلك لم يستجب الله له. عليكم بالطلب!.

ترجمه: در روایت علی بن عبد العزیز وی گفت: ای امام صادق علیه السلام فرمود: عمر بن مسلم چه می کند؟ گفتم: فدایتان بشوم! بر عمر رضی الله عنه زوی آورده و تجارت را ترک کرده است، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر او! آیا نمی داند کسی که طلب رزق و روزی دنیا را ترک کند دعاایش مستجاب نمی شود؟ همانا قومی از اصحاب رسول خدا صلى الله عليه وآله وجود داشتند که وقتی این قول خداوند متعال نازل شد: "و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد" درهای مغازه ها را بستند و بر عبارت روی آورده و گفتند:

۱. طلاق: ۲ و ۳

۲. وسائل، ج ۱۲، ص ۱۵، باب ۵ از ابواب مقدمات تجارت، حدیث ۷.

خدا بر ما کفایت است! پس خبر این ماجرا به سمع مبارک پیامبر ﷺ رسید و حضرت در پی آنها فرستاد، سپس به آنها فرمود: چه چیزی باعث شد که شما این کار را انجام دهید؟ آنها گفتند: یا رسول الله، خداوند متعال رزق دنیا و روزی ما را به عهده گرفته است، لذا ما بر عبادت روی آوردیم. پس رسول خدا ﷺ فرمود: مسلماً هر کس این کار را انجام دهد دعایش مستجاب نخواهد شد، بر شما باد که در طلب رزق و روزی دنیا باشید.

وقال الصادق عليه السلام: «لَيْسَ مِمَّا مَن تَرَكَ دُنْيَاةً لِآخِرِيهِ، أَوْ آخِرِيهِ لِدُنْيَاةٍ»!

ترجمه: از ما اهل بیت نیست کسی که آخرت خود را به خاطر دنیایش ترک کند، و نیز کسی که دنیا را به خاطر آخرتش ترک نماید.

کتابی که در پیش رو دارید جلد چهارم از سلسله مجلدات تلخیص کتاب ارزشمند مکاسب، تألیف شیخ اعظم شهید مرتضی انصاری - اعلی الله مقامه الشریف - است که بحمد الله و المنة به صورت پرشش و پاسبخ نگارش یافته است و اینک به محضر شما خوانندگان گرامی تقدیم می شود. از یشگاه خداوند تبارک و تعالی مسئلت داریم در امر فرج آقا امام زمان حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام تعجیل بفرماید، و نائب ایشان حضرت آیه الله خامنه ای را محالظت نماید، و در سایه لطف امام زمان علیه السلام ما را منشأ خیرات و برکات قرار دهد، إن شاء الله.

محمود معتمدی

مهرماه ۱۳۹۲ هـ ش

۱. الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶، حدیث ۳۵۶۸؛ وسائل، ج ۱۲، ص ۴۹، باب ۲۸ از ابواب مقدمات تجارت،